

# کتابنامه الکترونیکی

پرسمان (۱۹)

سیاسی

ویژه مسؤلان و هادیان سیاسی



معاونت سیاسی

نماینده ولی فقیه در سازمان بسیج مستضعفین

اسفند ماه ۱۳۹۷

۱۹

## در این شماره می‌خوانید:

۱. کنفرانس دفاعی - امنیتی مونیخ، مواضع دکتر ظریف و اهمیت صنعت موشکی برای ایران
۲. اهداف اصلی سفر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به سه کشور پاکستان، هند و چین
۳. اقدام شهروند عربستانی و شهادت کودک شیعه در نسبت با ریشه‌های فکری هیأت حاکمه عربستان
۴. تحلیل رفتار دوگانه کشورهای غربی به تحولات ونزوئلا و یمن
۵. مهمترین ویژگی‌های منطقه‌ای بیانیه گام دوم انقلاب
۶. دلایل تشدید فعالیت‌های اخیر حشد الشعبی عراق برای اخراج نظامیان آمریکایی از عراق

**۱ - پنجاه و پنجمین دوره کنفرانس دفاعی و امنیتی مونیخ از ۲۶ تا ۲۸ بهمن با مشارکت ۳۵ رئیس دولت و حضور ۵۰ وزیر خارجه و همچنین ۳۰ وزیر دفاع برگزار شد. نکته مهم در این نشست دفاع قاطع دکتر ظریف وزیر خارجه ایران از حق موشکی بود؟ اهمیت صنعت موشکی برای ایران در شرایط کنونی چیست؟**

یکی از مهم ترین بخش های نشست مونیخ سخنرانی وزیر خارجه کشورمان بود که به درستی بر حق ایران برای دفاع از خود تاکید کرد. محمد جواد ظریف در سخنرانی خود در واکنش به تهدید فرانسه در مورد اعمال تحریم های موشکی عنوان کرد: «آن زمان که ما با جنگنده های فرانسوی، تسلیحات شیمیایی آلمانی، تانک های انگلیسی و آواکس های آمریکایی و تسلیحات روسی تحت حمله بودیم، زمانی که ما را موشک باران می کردند، هیچ کس کوچکترین ابزار دفاعی به ما نمی داد، نه پدافند و نه موشکی برای پاسخ.» وی در پاسخ به سؤال مجری نشست با این عنوان که «برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه معتقدند که ایران باید در ارتباط با فعالیت های موشکی خود به صورت جداگانه با اروپایی ها مذاکره کند و این فعالیت ها را متوقف کند» گفت: «آیا ایران باید مثل مرده دراز بکشد و به همه خواسته ها تن بدهد؟ من برای راضی کردن آقای لودریان (وزیر خارجه فرانسه) کشورم را بی دفاع نمی کنم، تا کسانی در منطقه بیایند و مردم ما را بکشند و به آنها آسیب برسانند. هنوز مردم زیادی در کشور ما هستند که به خاطر سلاح های شیمیایی که اروپایی ها در اختیار صدام قرار دادند اذیت هستند. اگر اروپایی ها می خواهند با ما مذاکره کنند نمی توانند در نقش بازجو عمل کنند و ما را محاکمه کنند.» وزیر امور خارجه در کنفرانس امنیتی مونیخ با دفاع قاطع از توان موشکی ایران، گفت: «اگر مورد حمله قرار بگیریم قرار است با شمشیر از خود دفاع کنیم؟»

سخنان دکتر ظریف هرچند دیرهنگام اما کاملاً حساب شده بود. در واقع مقام معظم رهبری در سال های گذشته بارها اعلام کرده بودند که ایران به هیچ عنوان در مورد صنعت موشکی و تسلیحات دفاعی خود مذاکره نخواهد کرد. دولت دکتر روحانی هرچند در چند سال گذشته چندان در این مورد با جدیت رفتار نمی کرد اما دکتر ظریف پس از طی کردن تجربه برجام و اثبات مجدد بی اعتمادی به غرب همان موضع نظام را در یک اجلاس بین المللی تبیین کردند. کشورهای غربی تلاش زیادی داشتند تا پس از توافق هسته ای برجام موشکی را نیز بر ایران تحمیل کنند. به همین دلیل نماینده آمریکا در سازمان ملل بارها با نمایش قطعاتی از یک موشک اعلام کرد که ایران عامل اصلی تامین موشک های انصارالله یمن است. در واقع تشدید ایران هراسی باعث شده بود که کشورهای اروپایی نیز در کنار آمریکا خواستار اعمال محدودیت هایی بر صنعت موشکی ایران باشند. نگاهی به برخی از سخنان مقام معظم رهبری در این مورد می تواند راهگشا باشد.

سیستم دفاع موشکی یکی از بدیهی ترین معیارها برای تقویت توان بازدارندگی کشورهایی همچون ایران است و از مهم ترین دلایل انگیزه ایران برای توسعه در مسیر بازدارندگی، منطقه خاورمیانه و ساختار منحصر به فرد آن است. ایران در منطقه ای ملتهب که فضای امنیتی مناسبی ندارد، قرار گرفته و رقابت تسلیحاتی بالا، امنیتی شدن بیشتر فضای روابط را در پی داشته است، در حالی که حضور آمریکا و برخی دولت های

اروپایی به بهانه فروش تسلیحات به کشورهای وابسته دامنه این رقابت را هر چه بیشتر گسترش داده و التهاب در روابط منطقه را افزایش داده اند. وجود این شرایط ایران را ناگزیر کرده است با تقویت توان دفاعی خود در مسیر توسعه و گسترش تسلیحات دفاعی گام بردارد. این امر به خصوص با تجربه یک جنگ ناعادلانه و نامتقارن علیه ایران از سوی رژیم صدام حسین که با حمایت کشورهای غربی همراه بود، اهمیت دوچندانی پیدا کرده است. کشورهای غربی مانند انگلیس و فرانسه در حالی حق مسلم ایران در حوزه دفاعی را زیر سوال می‌برند که در طول هشت سال جنگ تحمیلی از حمایت مالی گرفته تا تسلیحاتی را از رژیم صدام حسین دریغ نکردند.

با آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران از سوی رژیم بعث و چرخش اوضاع به سود نیروهای ایرانی در میدان نبرد دولت‌های غربی به حمایت گسترده از عراق پرداختند و با ارسال کمک‌های تسلیحاتی و اقتصادی کوشیدند از شکست عراق جلوگیری کنند. برای رویارویی با این خطر "ژیسکار دستن" رئیس جمهور فرانسه که آن را نیروی بنیانی نامید سیل کمک‌های نظامی و مالی دولت‌های اروپایی به سوی عراق سرازیر شد. در فوریه ۱۹۸۱ درست چهارماه پس از آغاز جنگ سخنگوی وزارت امور خارجه فرانسه اعلام کرد: فرانسه ۶۰ فروند هواپیمای میراز از نوع اف-۱ را در ادامه اجرای قرار داد سال ۱۹۷۷ به عراق ارسال کرده است. در مارس ۱۹۸۲ نیز انگلیس موافقت خود را برای تحویل تانک به عراق به ارزش یک میلیارد دلار اعلام کرد. در کنار آن لندن مذاکره در باره ۳۰۰ هواپیمای هاوک به ارزش ۲ میلیارد دلار با بغداد را از سر گرفت. این کمک‌های تسلیحاتی به همراه وام‌های کوتاه مدت و بلند مدت در طول سال‌های جنگ تحمیلی به سوی عراق سرازیر شد. ایران در جنگ هشت ساله به تنهایی مقابل چندین کشور جهان ایستادگی کرد و حالا که در مسیر بازدارندگی و دفاع گام بر می‌دارد در معرض انواع اتهام قرار می‌گیرد. کشورهایی مانند انگلیس و فرانسه تلاش دارند با موضع گیری علیه نیازهای بدیهی و دفاعی ایران، آنها را تهاجمی جلوه دهند، چنانچه تسلیحات موشکی از جمله این موارد است. هر بار که ایران موفقیت‌های خود را در تکنولوژی موشکی به رخ جهان می‌کشد واکنش‌های تند و گاه نامطلوبی از سوی دولت‌های اروپایی به نمایش گذاشته می‌شود.

دفاع از قدرت موشکی ایران یک نیاز مبرم در شرایط کنونی بود. کشورهای منطقه خاورمیانه خصوصا ایران با توجه به طیف تهدیدات، موشک‌ها را به عنوان جزء مهم راهبرد بازدارندگی نظامی خود در نظر گرفته اند زیرا موشک‌ها اساسا بازدارنده اند. در نتیجه موشک ابزاری استراتژیک برای دیپلماسی می‌شود. توسعه موشکی دست دولت‌ها را در تلافی باز می‌گذارد و توانایی‌ها را در ضربه دوم دو چندان می‌کند. این در حالی است که اگر ضربه دوم توانمندی کافی را داشته باشد انگیزه برای شروع و زدن ضربه اول در دشمن کاهش می‌یابد. همین موضوع، بازدارندگی دولت‌ها را در حد بسیار بالایی افزایش می‌دهد. با توجه به مواردی که ذکر شد ایران برای توسعه برنامه موشکی خود در مسیر بدیهی ترین حق خود حرکت می‌کند و وجود تهدیدات گسترده در این منطقه این کشور را ملزم می‌کند برای دفاع از مردم خود و عدم تجربه دوباره یک جنگ تحمیلی سیستم دفاعی خود را ارتقا دهد.

## ۲ - محمد بن سلمان ولیعهد سعودی اخیر به سه کشور پاکستان، هند و چین سفر کرد. اهداف اصلی این

### سفر چه بود؟

محمد بن سلمان ولیعهد سعودی سفر دوره‌ای خود به کشورهای آسیایی را از روز یکشنبه ۲۸ بهمن و با سفر به پاکستان شروع کرد. قرار بود در این سفر دوره‌ای بن سلمان از پاکستان، هند، چین، اندونزی و مالزی دیدن کند که بنابر دلایل نامعلوم سفر به مالزی و اندونزی لغو شد. البته برخی خبرگزاری‌ها دلیل این مسئله را هراس بن سلمان از تظاهرات مردمی در اندونزی و مالزی عنوان کرده اند. بن سلمان در این سفر به دنبال چند هدف بود:

-رهایی از انزوا

محمد بن سلمان ولیعهد سعودی که رویای رسیدن به تخت پادشاهی را دارد پس از قتل جمال خاشقجی روزنامه نگار منتقد سعودی در انزوا شدیدی بین المللی قرار گرفته است. سازمان سیای آمریکا به همراه کنگره این کشور بن سلمان را به عنوان عامل اصلی قتل خاشقجی معرفی کرده و خواستار تحریم تسلیحاتی عربستان شده اند. این مسئله برای بن سلمان بسیار گران آمده است. وی چند ماه پیش سعی کرد با سفر به کشورهای آفریقایی این انزوا را پایان دهد اما اعتراض

گسترده مردم به ویژه در تونس و مصر باعث شکست اهداف بن سلمان شد. در ادامه بن سلمان سعی کرده که با سفر به پاکستان، هند و چین بار دیگر برای رهایی از این انزوا تلاش کند. البته شدت اعتراضات مردمی در پاکستان باعث شد که بسیاری از کارشناسان این سفر را شکست خورده بنامند. باوجود تبدیل شدن اسلام آباد پایتخت پاکستان به یک پادگان نظامی و دستگیری بسیاری از مخالفان اما مردم باز به خیابان‌ها آمدند و علیه بن سلمان اعتراض کردند.

-تشویق پاکستان به مشارکت در جنگ یمن

یکی دیگر از اهداف بن سلمان از سفر به پاکستان تلاش برای مجاب کردن این کشور به مشارکت فعال در ائتلاف ضد یمنی برمی گردد. عربستان تلاش زیادی داشته تا پاکستان را در جنگ یمن با خود همراه کند اما در نزدیک به ۴ سال گذشته موفق نبوده است. بحران اقتصادی پاکستان در شرایط کنونی به بهانه‌ای برای وادار کردن عمران خان نخست وزیر پاکستان به مشارکت در جنگ یمن تبدیل شده است. ذخایر ارزی پاکستان تنها ۸ میلیارد دلار اعلام شده است. نکته مهم در این مورد این است که تنها چند روز مانده به سفر ولیعهد سعودی به پاکستان، یک هیات از ائتلاف به اصطلاح ضد تروریسم به رهبری عربستان برای اولین بار به اسلام آباد سفر کرد که ریاست آن ژنرال راحیل شریف فرمانده سابق ارتش پاکستان برعهده داشت. این مسئله به معنای احتمال همراهی بیشتر پاکستان با عربستان در جنگ یمن است. در واقع می‌توان گفت بن سلمان در حال خرید پاکستان برای مشارکت در جنگ یمن است.

-توطئه‌های ریاض علیه ایران

نگاهی به مقصدهای سفرهای بن سلمان یعنی پاکستان، چین و هند حاکی از آن است ولیعهد سعودی، به صورت مستقیم، نگاه ویژه‌ای به تسخیر بازارهای اقتصادی شرکای تجاری ایران و همچنین تلاش برای ناامن کردن مرزهای ایران دارد. در این میان اهداف امنیتی عربستان در مورد ایران از اهمیت بیشتری برخوردار است.

محمد بن سلمان ولیعهد سعودی در راستای فشار امنیتی و اقتصادی به ایران سفر دوره‌ای را به کشورهای پاکستان، هند و چین طراحی کرد. در این میان پاکستان از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار بود. چرا که این کشور همسایه ایران بوده و در بسیاری از مسائل امنیتی با ایران مرتبط است و دنباله بسیاری از گروه‌های تروریستی در ایران به پاکستان برمی گردد.

وقوع یک اتفاق چند روز پیش از سفر بن سلمان به پاکستان باعث شد نگاه‌ها متوجه اهداف شوم بن سلمان از سفر به پاکستان شود. عصر چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه یک اتوبوس نیروهای مرزبانی سپاه در جاده خاش-زاهدان هدف حمله انتحاری قرار گرفت و در آن ۲۷ نفر از نیروهای سپاه شهید و ۱۳ نفر دیگر نیز زخمی شدند. گروه جیش‌العدل که در واقع جیش‌الظلم است مسئولیت این حمله را به عهده گرفت. سردار جعفری فرمانده سپاه در مراسم تشییع جنازه شهدا، عربستان و امارات را مسئول این حمله دانست و خواستار بازگذاشتن دست سپاه برای "انتقام‌جویی از عربستان و امارات" شد. در واقع عربستان همانطور که در رژه اهواز عامل اصلی حمله تروریستی بود در مورد سیستان نیز از طریق عوامل خود در این حمله مشارکت داشت. این گروهک تروریستی در پاکستان به سر می‌برد و عربستان به خوبی از پتانسیل‌های پاکستان برای ناامن سازی در ایران آگاه است.

عربستان و امارات، تلاش می‌کنند با سرمایه‌گذاری در پاکستان، اسلام آباد را علیه تهران قرار دهند. این در حالی است که پاکستان، از سال‌ها پیش تاکنون، کانون هسته‌گذاری تروریست‌های تکفیری مورد حمایت اعراب بوده است. این گروه‌های تروریستی همچنین از حمایت ضمنی و پنهانی آمریکا که همزمان بر اعراب و پاکستان، سیطره دارد نیز برخوردار بوده‌اند. با این حساب، به عقیده تحلیلگران، سرمایه‌گذاری اقتصادی عرب‌ها در پاکستان، می‌تواند سرآغاز یک پروژه ضد امنیتی تازه در منطقه باشد که بر اساس آن، داعش در افغانستان و گروه‌های تروریستی ضد ایرانی در مرزهای آن کشور با پاکستان، بیشتر تجهیز و تقویت شوند و پاکستان، بار دیگر به جایگاه همیشگی خود به عنوان کانون ناامنی و بحران در آسیا بازگردد تا عربستان و امارات از این رهگذر، ثروت‌های نفتی خود را صرف بی‌ثبات سازی ایران و افغانستان و دیگر کشورهای اسلامی کنند.

عربستان همواره ثابت کرده است که کمک‌های مالی این کشور به دیگران به ویژه پاکستان، شرایط سیاسی خاصی دارد و بدون شک کمک‌های اخیر سعودی و سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد دلاری در پاکستان نیز بدون بهره سیاسی نخواهد

بود. در واقع بحران اقتصادی پاکستان باعث شده که این کشور برای رفع مشکلات خود به امارات و عربستان پناه ببرد اما این مسئله می‌تواند وضعیت امنیتی پاکستان را در گردابی از ناامنی قرار دهد..

### ۳- اخیراً یک وهابی تندرو در عربستان با حمله به یک کودک شیعه در این کشور وی را به شهادت رساند. آیا این مسئله یک اتفاق بوده یا ریشه در افکار وهابیت حاکم بر عربستان دارد؟

پنج شنبه ۱۸ بهمن ۹۷ یک وهابی تندروی سعودی ۴۰ ساله در جنایتی وحشتناک، کودک شیعه ۶ ساله را به جرم محبت به خاندان پیامبر(ع) در برابر چشمان مادرش در مدینه منوره به شهادت رساند. فرد جانی به «زکریا بدر علی الجابر»، راننده اتومبیلی بود که مادر کودک آن را به مقصد مرقد پیامبر اکرم (ص) اجاره کرده بود و زمانی که فرد جانی پس از فرستادن صلوات مادر کودک، متوجه شد وی شیعه است، پس از متوقف کردن اتومبیل اقدام به شکستن شیشه یکی از مغازه‌ها کرده و با استفاده از یک خرده شیشه گلولی این کودک ۶ ساله را در مقابل چشمان مادرش برید. پس از این واقعه رسانه‌های سعودی اقدام به انتشار مطالب و شایعات متعددی در این خصوص نمودند و همچنان برخی از رسانه‌ها با انتشار اکاذیب و شایعات قصد سرپوش گذاشتن بر روی این جنایت دارند. دستگاه قضایی عربستان مدعی است که فرد جانی از سلامت عقلی برخوردار نبوده است اما چنین توجیهی منطقی به نظر نمی‌رسد چرا که وی به عنوان یک راننده تاکسی در شهر مدینه فعالیت می‌کرده است و دارای گواهینامه رانندگی است و این نشانگر آن است که وی از تمرکز و سلامت عقلی برخوردار است و انگیزه اصلی وی در ارتکاب چنین جنایتی تنها ریشه در تفکرات وهابی و متعصبانه وی علیه تشیع دارد. شاهدان عینی می‌گویند که قاتل مشکل روانی نداشته است بلکه پیوسته به مذهب تشیع اهانت می‌کرده است.

در واقع جایگاه شیعیان عربستان و تبعیض‌های صورت گرفته علیه آن‌ها به خوبی نشان دهنده رفتار سعودی‌ها با شیعیان است. این مسئله به نوعی حاصل تفکر داعشی و وهابی علمای تندروی این کشور است. سطره مکتب وهابیت بر دولت عربستان باعث شده است تا آل سعود به عنوان رژیم دیکتاتور، ناقض حقوق بشر و جنایتکار معرفی شود. چرا که آموزه‌های وهابیت مهم‌ترین عامل شکل‌گیری برخی گروه‌های تروریستی مانند داعش بوده است. در واقع وهابیت را به عنوان مادر تروریسم منطقه‌ای می‌شناسند. روزنامه «بوستون گلوب» در تحلیلی، از دوگانگی‌های سیاست دولت آمریکا در قبال ایران و سعودی انتقاد و خاطرنشان کرده هیچ کشوری مستمرتر از ریاض، حامی تروریسم نبوده است. روزنامه «بوستون گلوب» تاکید کرد: «در تمام مطالعات جدی در قرن ۲۱ درباره تروریسم جهانی این نتیجه حاصل شده که غالب پول‌های مصرف‌شده برای حمایت از القاعده، طالبان، داعش و سایر گروه‌های تبهکار هم‌فکر آنها توسط عربستان تأمین می‌شوند.» این روزنامه سپس به نقش شهروندان عربستان در حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ اشاره کرده و نوشته است: «تصادفی نیست که اسامه بن‌لادن (سرکرده معدوم القاعده) و اکثر هواپیماربایان ۱۱ سپتامبر تبعه عربستان بودند. هیچ کشور دیگری، حتی پاکستان به اندازه عربستان، به طور بی‌وقفه از تروریسم حمایت نکرده است.» سند سری منتشر شده در پایگاه «ویکی لیکس» نیز نشان می‌دهد هیلاری کلینتون وزیر خارجه اسبق آمریکا اذعان کرده است عربستان اولین منبع حمایت مالی از گروه‌های تروریستی در جهان است. علاوه بر این برآوردها در سال ۲۰۰۷ حاکی از آن بود که عربستان سالانه دست کم دو میلیارد دلار برای ترویج وهابی‌گری، در سراسر جهان هزینه می‌کند. این رقم تا سال ۲۰۱۵ به دو برابر رسیده است. بر همین اساس در سال ۲۰۰۷ تعداد مساجد وابسته به جریان سلفی‌گری و وهابی‌گری ۶۸ مورد گزارش شده است. حال آنکه این رقم در سال ۲۰۱۴ به ۱۱۰ مسجد افزایش یافته است؛ مساجدی که ظرفیت گردآوری حدود ۴۵ هزار عضو وفادار را داشته است. رادیو فرانسه هم سال ۹۵ اعلام کرد که می‌توان گفت در ۱۵ سالی که از ۱۱ سپتامبر می‌گذرد، رابطه عربستان با پدیده تروریسم، رابطه پدر و فرزندی است.

شهادت زکریای شش ساله نه تنها یک اتفاق نبوده بلکه حاصل تفکر داعشی دولت سعودی است. همانطور که تروریست‌های داعش مردم بی‌گناه عراق، سوریه، لیبی و مصر را به بدترین شیوه ممکن سر می‌بریدند وهابی‌های تندرو نیز زکریای شش ساله را گلو بریدند. در واقع داعش محصول وهابیت است و به همین دلیل است که این گروه تروریستی در مکاتب تحت کنترل خود متون درسی عربستان را تدریس می‌کند. کسی که تاریخ ابتدای انتشار عقیده «وهابیت» را مطالعه کرده باشد اشتراکات فراوانی را بین این دو می‌بیند زیرا بعد از تاسیس رژیم آل سعود تفکرات وهابی همان



خشونتت را ترویج می‌کرد که امروزه پیروان داعش برای تحمیل افکار خود و گسترش نفوذشان ترویج می‌کنند. آنچه را امروزه شهرهای عراق و سوریه شاهد آن است از جمله تخریب مساجد و حسینیه‌های شیعیان و برپا کردن دادگاه‌های شرعی و اجرای حدود و اعدام‌های دسته جمعی، همه و همه در تاریخ حرکت آل سعود که متکی بر تفکرات وهابی است مشاهده می‌شود. اعدام آیت الله نمر رهبر معنوی شیعیان عربستان نیز به عنوان یکی دیگر از نمونه‌های رفتارهای داعشی وار عربستان است. در شرایط فعلی محمد بن سلمان ولیعهد سعودی با تظاهر به اصلاحات در حوزه‌های مختلف سعی دارد تا چهره جنایتکارانه آل سعود را به نوعی ترمیم کند اما شهادت کودک شیعه عربستانی نشان داد که اقدامات بن سلمان تنها یک اقدام فریبکارانه با هدف رسیدن به تخت پادشاهی بوده است.

#### ۴ چرا کشورهای غربی به تحولات ونزوئلا و یمن نگاهی دوگانه دارند؟

حقوق بشر، انتخابات، حق اعتراض و حمایت از اقلیت‌ها موضوعاتی هستند که آمریکا همواره به عنوان ابزارهایی برای تحقق اهداف خود از آن‌ها استفاده کرده است. در واقع حقوق بشر تا زمانی دغدغه کشورهای غربی است که در خدمت منافع آن‌ها باشد. به عنوان مثال آمریکا در حالی همواره ایران را متهم به نقض حقوق بشر کرده است که عربستان به عنوان بزرگترین ناقض حقوق بشر در جهان نه تنها از طرف واشنگتن متهم نشده بلکه به عنوان رئیس پندل حقوق بشر سازمان ملل نیز انتخاب شده است. نگاه دوگانه غرب به موضوعات مختلف باعث شده است تا واژه‌هایی همانند تروریسم خوب و تروریسم بد در نظام بین الملل مطرح شود. در واقع اتحادیه اروپا و آمریکا سعی دارند با سوء استفاده از برخی ارزش‌های بین المللی به اهداف خود برسند. بررسی دو موضوع تحولات ونزوئلا و جنگ یمن استاندارهای دوگانه غرب را به خوبی نشان می‌دهد.

##### -جنایت غرب در یمن-

حمله عربستان و امارات به یمن که چهارساله شده است باعث خلق یک تراژدی بزرگ شده است. این جنگ در چهار سال گذشته ادامه داشته و ۱۰۰ هزار کودک یمنی به دلیل محاصره و بیماری شهید شده اند. علاوه بر این طبق اعلام روزنامه گاردین بیش از ۶۰ هزار یمنی در حملات ائتلاف سعودی شهید شده اند. ۱۴ میلیون یمنی نیز در معرض گرسنگی و قحطی هستند و هر هفته ۱۰ هزار مورد جدید ابتلا به وبا گزارش می‌شود. بر اساس برآورد گروه "کودکان را نجات دهید"، روزانه ۷۷ کودک از سال ۲۰۱۵ شهید می‌شود. در واقع این جنایت‌ها در یمن تنها با کمک‌های کشورهای غربی به وجود آمده است. آمریکا مدرن ترین سلاح‌ها را به عربستان فروخته و تنها در یک قرارداد ۱۱ میلیارد دلار سلاح به فروخته است. انگلیس نیز با حمایت‌های تسلیحاتی از عربستان به عنوان شریک جنایت‌های عربستان در یمن شناخته می‌شود. از سال ۲۰۱۵ به بعد صادرات سلاح انگلیس به عربستان ۵۰۰ درصد افزایش یافته است. در جریان سفر محمد بن سلمان ولیعهد سعودی به انگلیس در فرودین ۹۷، لندن قرارداد فروش ۴۸ جنگنده تایفون به عربستان به مبلغ ۱۴ میلیارد دلار را امضا کرد و در مجموع، یک قرارداد ۸۵ میلیارد دلاری را با سعودی‌ها در این سفر امضا کرد. فرانسه نیز در جریان جنگ الحدیده در کنار متجاوزان قرار گرفت. علاوه بر این کشورهایی مانند آلمان نیز همچنان به فروش سلاح به ریاض ادامه می‌دهند.

جدای از فروش تسلیحات نظامی، بارها تصاویری از حضور افسران غربی در اتاق جنگ یمن در ریاض منتشر شده است. این مسئله در حالی است که انصارالله با حمایت اکثر مردم یمن علیه تجاوز یک کشور خارجی به پا خاسته و در حال مقاومت است. در واقع حتی براساس قوانین حقوقی که کشورهای غربی خود ابداع کرده اند حمله و تجاوز به یک کشور دیگر به عنوان عملی خصمانه و مجرمانه بوده و بر خلاف حقوق بین الملل است و کشورها حق دارند علیه تجاوز دیگران مقابله به مثل کنند. اما کشورهای غربی نه تنها علیه متجاوزان به یمن اقدامی نکرده بلکه عملاً خود در نقش شریک جرم وارد شده و در حال تهیه مقدمات برای جنایت بیشتر عربستان و امارات در یمن هستند. استدلال غربی‌ها در یمن این است که انصارالله یک گروه شورشی بوده و رئیس جمهور قانونی این کشور منصور هادی است. اما این ادعا باطل است چرا که در درجه اول منصور هادی خود از ریاست جمهوری استعفا داده و فراری شده است و از سوی دیگر اکثریت مردم یمن با انصارالله علیه متجاوزان هستند. انصارالله به همراه دیگر گروه‌های انقلابی توانسته اند از ۲۲ استان یمن بر ۱۱ استان مسلط شوند.

**-ابتکار جدید غرب در ونزوئلا**

اما شاید بتوان ونزوئلا را یکی از مهمترین عرصه‌ها برای نگاه دوگانه غرب به کشورها دانست. سوم بهمن ماه «خوان گوایدو» رئیس شورای ملی ونزوئلا و رهبر مخالفان تحت امر آمریکا خود را رئیس‌جمهور موقت ونزوئلا معرفی و سپس سوگند یاد کرد!! در پی این اقدام غیر قانونی بلافاصله «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور و «مایک پمپئو» وزیر خارجه آمریکا در بیانیه‌هایی مداخله جویانه از این تصمیم استقبال کرده و گوایدو را به عنوان رئیس‌جمهوری موقت ونزوئلا به رسمیت شناختند! در ادامه کشورهای انگلیس، سوئد، اسپانیا، کانادا، برزیل، آرژانتین، کلمبیا، شیلی، پرو و چند کشور دیگر، مواضع مشابهی اتخاذ کردند.

در واقع در ونزوئلا، کشورهای غربی به طور کامل مهر بطلانی بر همه ادعاهای حقوق بشری و دموکراسی خواهی خود زده اند. چرا که نیکولاس مادورو اردیبهشت ماه در انتخابات با کسب بیش از ۶۷ درصد آرا به عنوان رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا انتخاب شده است. در واقع کشورهای غربی در حالی رهبر یک گروه شورشی را به عنوان رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا به رسمیت شناخته اند که انتخاباتی که خود را مدعی سردمداری آن می‌دانند نادیده گرفته و عملاً رای مردم را به سخره گرفته‌اند. در چارچوب نظام بین الملل که کشورهای غربی خود آن را ترسیم کرده اند مشروعیت مقامات سیاسی از طریق انتخابات و رای مردم تایید می‌شود. اما ظاهراً این مسئله تنها یک ادعا بیش نبوده و "انتخابات خوب" و "انتخابات بد" نیز در این مورد برای غربی‌ها صدق پیدا می‌کند.

در واقع کشورهای غربی یک حرکت و رفتار واحد در کشور دوست و دشمن را با دو نوع عینک نگاه می‌کنند. سوء استفاده آمریکا و اتحادیه اروپا از مباحث حقوق بشری تبدیل به یکی از تلخ‌ترین طنزهای چند دهه اخیر شده است. کشورهای غربی در حالی مدعی حمایت از رای اکثریت در کشورهای مختلف هستند که مادورو در ونزوئلا با کسب ۶۷ درصد آرا توانسته حمایت اکثریت مردم را کسب کند اما باز کشورهای غربی تأکید دارند وی باید از قدرت کناره‌گیری کند. در مقابل انصارالله یمن به عنوان پرچمدار انقلاب مردم یمن که در چهار سال گذشته در برابر تجاوز ائتلاف سعودی مقاومت کرده از سوی غربی‌ها به عنوان گروهی شورشی شناخته می‌شود. در واقع در ونزوئلا غربی‌ها سعی دارند یک گروه شورشی را به عنوان گروه مشروع و دارای حق لازم برای رسیدن به قدرت حمایت کنند، در حالی که در یمن خلاف این مسئله مطرح شده و یک گروه مشروع و دارای حمایت اکثریت مردم به عنوان گروه شورشی مطرح شده است. البته این نوع نگاه غرب چندان عجیب نبوده و معیارهای حقوقی و حقوق بشری برای آن‌ها تنها دستاویزهایی در جهت تحقق منافع هستند. اما نوع نگاه غرب در مورد یمن و ونزوئلا می‌تواند به عنوان یک خطر جدی برای نظام بین الملل مطرح باشد، چرا که این طرح ابتکاری غربی‌ها در حمایت از شورشیان به عنوان گروه‌های مشروع برای در دست گرفتن اداره کشور می‌تواند به یک شیوه خطرناک در جهت مشروعیت یافتن گروه‌های شورشی تبدیل شود.

**۵ - به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از****زندگی، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌ای مهم مختصات گام دوم انقلاب را تبیین****کردند. مهمترین ویژگی‌های منطقه‌ای گام دوم انقلاب چیست؟**

به مناسبت چهلمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و ورود جمهوری اسلامی به فصل جدیدی از زندگی، حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب در بیانیه‌ای مهم و راهبردی با تشکر از حضور سرفرازانه و دشمن‌شکن مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن، به تبیین ویژگی‌های مسیر پر افتخار پیموده شده در چهل سال گذشته و برکات خیره‌کننده انقلاب اسلامی در رساندن ایران عزیز به جایگاه شایسته ملت پرداختند و با تأکید بر امید واقع‌بینانه به آینده و نقش بی‌بدیل جوانان در برداشتن گام بزرگ دوم به سمت آرمان‌ها، خطاب به جوانان و آینده‌سازان ایران مقتدر، الزامات این جهاد بزرگ را در ۷ سرفصل اساسی بیان کردند.

در بخشی از این بیانیه راهبردی آمده است: ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم



صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. و اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خودفروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.

در این سوال به تبیین و تحلیل بخشی از نکات مهم در عرصه بین‌الملل که در بیانیه رهبر معظم انقلاب ذکر شده است خواهیم پرداخت.

### - گسترش عمق استراتژیک و اقتدار منطقه‌ای ایران

یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران گسترش عمق استراتژیک است. راهبرد ایران در افزایش عمق استراتژیک خود، تقویت گروه‌های مقاومت بوده است. ایران توانسته است با تشکیل محور مقاومت، اسرائیل را در حدود ۱۷۰۰ کیلومتری مرزهای خود درگیر کند و از نزدیک شدن آن به خاک خود جلوگیری نماید. در ضمن ایران با ایجاد همکاری‌های گسترده نظامی امنیتی با عراق و افغانستان، و کشورهای آمریکای لاتین، به این توان خود افزوده است. از زمانی که در سال ۱۳۵۷ با وقوع انقلاب اسلامی، ایران از بلوک غرب جدا و سیاست عدم تعهد مثبت را در پیش گرفت تاکنون حوزه‌های نفوذ تهران در نقاط مختلف جهان گسترانده شده است. در خلیج فارس و خاورمیانه، که محیط امنیتی ایران محسوب می‌شود، ایران در یک دهه گذشته، با اتخاذ استراتژی حضور فعال و مثبت، توانسته است خود را به عنوان بازیگری مهم و تأثیرگذار معرفی کند. در مناطق دیگر نیز بنا بر سیاست‌های برنامه‌ریزی‌شده، ایران حضور فعالی داشته است. در واقع اکنون عمق استراتژی ایران نسبت به قل از انقلاب قابل مقایسه نبوده و ایران توانسته است آن را بسیار گسترش دهد.

علاوه بر این، اقتدار منطقه‌ای ایران نیز در ۴۰ سال گذشته پیشرفت کاملاً محسوسی داشته است. همانطور که رهبر معظم انقلاب تأکید کردند امروزه هیچ مسئله‌ای در غرب آسیا بدون مشارکت ایران قابل حل شدن نیست. علاوه بر این رسیدن نیروهای طرفدار ایران به مرزهای اسرائیل و همچنین تقویت حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت فلسطین باعث شده است تا اسرائیل هراس بی سابقه‌ای نسبت به ایران داشته باشد. در واقع اقتدار منطقه‌ای ایران، اسرائیل را در هراس امنیتی گرفتار کرده است.

### - شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا

آمریکا در منطقه چندین هدف را در چند دهه اخیر برای خود ترسیم کرده است. برای تحقق این اهداف هزینه‌های زیادی اختصاص پیدا کرده است. اما این اهداف کلان آمریکا در عمل محقق نشده و همین مسئله یکی از مهمترین دلایل تصمیم ترامپ برای خروج از سوریه و افغانستان است. تامین امنیت رژیم صهیونیستی به عنوان مهمترین هدف خاورمیانه‌ای آمریکا اکنون بیش از هر زمان دیگری با چالش مواجه است. بسیاری از مقامات امنیتی این رژیم بارها هشدار داده اند که شروع هرگونه جنگ جدید بین اسرائیل و محور مقاومت می‌تواند تهدید وجودی برای اسرائیل باشد. علاوه بر این جنبش حماس اخیراً تنها در دو روز موفق به تحمیل آتش بس به صهیونیست‌ها شد. بنابراین آمریکا در ایجاد امنیت برای اسرائیل ناکام مانده و همانطور که رهبر معظم انقلاب در سال ۹۴ تأکید کردند اسرائیل ۲۵ سال آینده را نخواهد دید. این مسئله باعث شکست راهبردی آمریکا در غرب آسیا شده است.

مسئله دیگر این است که آمریکا در چند دهه اخیر تلاش زیادی داشت تا در ابتدا از شکل‌گیری و در مرحله بعد از تقویت محور مقاومت جلوگیری کند. اما اکنون جبهه مقاومت در منطقه به عنوان موثرترین و قوی‌ترین جبهه مطرح است. حزب الله لبنان، انصارالله یمن، جنبش مقاومت فلسطین، حشد الشعبی و مقاومت مردم سوریه در سال‌های اخیر نشان

دهنده تثبیت محور مقاومت بوده است. در واقع اکنون محور مقاومت بیش از هر زمان دیگری در منطقه موثر و کارآمد است. بنابراین آمریکا در این هدف شکست خورده است.

علاوه بر این آمریکا با هدف تسلط بر عراق و افغانستان به این دو کشور حمله کرد اما پس از گذشت ۱۷ سال زمزمه خروج آمریکا از افغانستان شروع شده و این در حالی است که بنا به گفته ترامپ آمریکا ۷ تریلیون دلار در منطقه هزینه کرده و بدون دستاورد در حال ترک منطقه است. استفان والت استاد دانشگاه هاروارد در این مورد تاکید کرده که کمترین چیزی که در طول ۱۵ سال گذشته آموخته‌ایم، این است که آمریکا هرگز نخواهد توانست کنترل هیچ کشوری در خاورمیانه را به دست بگیرد.

اما مهمترین شکست آمریکا در اسرائیل رقم خورد. با شروع بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ آمریکا به دنبال تضعیف این کشور، تجزیه و در نهایت ساقط کردن نظام بشار اسد در این کشور برآمد. اما پس از گذشت بیش از ۷ سال اکنون آمریکا به شکست تمام طرح‌های خود در سوریه اعتراف کرده است. در واقع روند پیروزی‌های ارتش سوریه و متحدان آن و موقعیت برتر میدانی آن‌ها در عرصه این کشور، جایی برای مانور نیروهای آمریکایی و ابراز وجود آن‌ها باقی نگذاشته است و در نهایت نظامیان آمریکایی مجبور به خروج از سوریه شده اند.

با توجه به مسیر طی شده در ۴۰ سال گذشته می‌توان این مسئله را پیش بینی کرد که نظم امنیتی مد نظر ایران در غرب آسیا بر نظم‌های فرمانطقه‌ای غلبه خواهد کرد و نتیجه این مسئله نیز ترسیم سیاست‌های منطقه‌ای براساس نوع نگاه ایران خواهد بود. در واقع با وجود تحریم‌های مختلف آمریکا و کشورهای اروپایی ایران توانسته است در گام نخست انقلاب اسلامی، خود را به عنوان یکی از اضلاع مهم قدرت در جهان مطرح کند. این مسئله به معنای این است که تمام سیاست‌ها آمریکا برای محصور کردن و انزوای ایران و تلاش برای تغییر رفتار این کشور همه با بن بست مواجه شده است. نمونه این مسئله نیز نشست ورشو بود که آمریکا تلاش زیادی کرد که به بیانیه‌ای ضد ایرانی در پایان آن دست یابد اما به این مهم دست نیافت و حتی متحدان غربی آمریکا نیز در این نشست در سطح بسیار پایینی شرکت کردند. در واقع گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یک گفتمان تجدیدنظر طلب توانسته است در کنار سایر گفتمان‌های مطرح در سطح بین الملل به رقابت پرداخته و در بسیاری از کشورهای اسلامی به عنوان گفتمان مطلوب پذیرفته شده است.

## ۶ - حشد الشعبی یا بسیج مردمی عراق در چند هفته اخیر فعالیت‌های خود را برای اخراج نظامیان

### آمریکایی از عراق تشدید کرده است. دلیل تاکید نیروهای عراقی بر اخراج نظامیان آمریکایی چیست؟

حشد الشعبی یا بسیج مردمی عراق در چند هفته اخیر فعالیت‌های خود را برای اخراج نظامیان آمریکایی از عراق تشدید کرده است. در این رابطه حتی حشد الشعبی خواستار بررسی خروج نظامیان آمریکایی در پارلمان عراق شده است. در چنین فضایی برخی از نمایندگان پارلمان عراق نیز از تهیه طرح خروج نظامیان آمریکایی از عراق خبر دادند. پارلمان عراق خواهان تعیین جدول زمان‌بندی برای خروج نظامیان آمریکایی از عراق است و تاکید دارد که دولت جدید عراق هم می‌بایست با طرف آمریکایی برای تعیین جدول زمانی خروج نظامیان آمریکا گفت و گو کند. «شیخ قیس الخزعلی» دبیرکل عصاب اهل حق عراق اعلام کرد، بیش از نیمی از اعضای پارلمان جدید عراق مخالف حضور نظامیان آمریکایی هستند. «سید حمید الحسینی»، رئیس اتحادیه رادیو و تلویزیون عراق نیز چندی پیش گفته بود، حدود ۲۰۰ نماینده جریان مقاومت که دو سوم کرسی‌های پارلمان را تشکیل می‌دهد به شدت ضد اشغالگری آمریکایی‌ها هستند. در واقع موضوع حضور نظامیان آمریکایی در عراق تبدیل به یکی از موضوعات مهم در بین گروه‌های سیاسی عراق شده است. این مسئله به ویژه از زمانی در کانون توجه گروه‌های مختلف قرار گرفته است که دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا فرمان خروج نظامیان آمریکایی از سوریه را صادر کرد. این مسئله باعث شده که حضور نظامیان آمریکایی که تعداد آن‌ها ۵ هزار نفر اعلام شده به مسئله اصلی عراق تبدیل شود. طبق اعلام پایگاه گلوبال ریسرچ، آمریکا در عراق ۸ پایگاه نظامی دارد. علاوه بر این برخی خبرها حاکی از این بوده که نظامیان آمریکایی که از پایگاه‌های خود در شرق سوریه عقب‌نشینی کرده اند، به سمت اقلیم کردستان و به طور مشخص به سمت پایگاه‌ها در اربیل حرکت کرده اند. موضوع خروج نظامیان آمریکایی از عراق حتی پس از شایعه احتمال حمله اسرائیل به پایگاه‌های حشد الشعبی با شدت بیشتری نیز پیگیری شده

است. منابع خبری اخیرا به نقل از یک منبع سیاسی عراقی اعلام کرده بودند که «مایک پامپئو» وزیر خارجه آمریکا در جریان دیدار با «عادل عبدالمهدی» نخست وزیر عراق گفته بود که رژیم صهیونیستی قصد دارد اهدافی را در خاک عراق هدف قرار دهد که متعلق به یک گروه مسلح است. این مسئله با واکنش قاطع حشد الشعبی مواجه شد. اما اهمیت خروج نظامیان آمریکایی از عراق چیست؟

حضور نظامی آمریکا در عراق می‌تواند همانند بیش از یک دهه گذشته ثبات عراق را تحت الشعاع قرار دهد. در واقع آمریکا در حالی در بیشتر کشورهای جهان پایگاه نظامی دارد که این پایگاه‌ها پوششی برای فعالیت‌های سیاسی و خرابکارانه بوده است. هدف آمریکا از حضور مستمر نظامی در عراق، دخالت در امور داخلی و محقق کردن اهداف سیاسی و تجزیه عراق است. پیگیری چنین توطئه‌ای به همراه سیاست جدید آمریکا در این کشور برای تقویت و تثبیت حضور نظامی و به حاشیه‌رانی برخی از گروه‌های سیاسی در دوران تثبیت نهادهای سیاسی می‌تواند آغازگر بحرانی جدید در عراق باشد. در واقع بیشترین تلاش آمریکا بر این مسئله استوار بوده که حشد الشعبی را از فرایند سیاسی عراق حذف کرده و به حاشیه براند. به همین دلیل حشد الشعبی با فهم این مسئله در حال پیشبرد طرح خروج نظامیان آمریکایی در پارلمان عراق است.

مداخله نظامی مستقیم آمریکایی‌ها در عراق و اشغال این کشور در مقاطع مختلف نه تنها امنیت را برای عراقی‌ها محقق نکرده است، بلکه بر عکس سبب پیدایش و فعالیت گروه‌های تروریستی از جمله القاعده و سپس داعش شد. در شرایط کنونی نیز فرصت برای خارج شدن نظامیان آمریکایی از عراق فراهم شده است. عقب نشینی ترامپ از سوریه آغازی برای پایان ۲۷ سال جنگ در غرب آسیا به شمار می‌رود. این مسئله در سال ۱۹۹۱ و در زمان حمله عراق به کویت آغاز شد. سپس جنگ افغانستان و عراق توسط آمریکا به راه انداخته شد. در ادامه نیز بحران سوریه خلق شد.

تلاش برای اخراج نظامیان آمریکایی از عراق در شرایط کنون کاملا امکان پذیر است. چرا که آمریکا در منطقه در شرایط ضعف قرار داشته و همین امر می‌تواند این امر را میسر کند. ترامپ در سفر غیر منتظره اخیر به عراق اعلام کرد که آمریکا دیگر نمی‌تواند ژاندارم جهان باشد. این مسئله می‌تواند بزرگترین دلیل برای تشدید تلاش‌ها در جهت اخراج آمریکا از منطقه باشد. عراق در شرایط کنونی که جنگ با تروریست‌ها را به پایان رسانده است و به نوعی با کردها نیز به توافق رسیده است می‌تواند در مسیر عراق یکپارچه و تثبیت ثبات سیاسی و امنیتی حرکت کند. این امر مستلزم آن است که نظامیان آمریکایی از این کشور خارج شوند. چرا که تا زمانی که بخشی از خاک عراق در اشغال نیروهای خارجی باشد نمی‌توان انتظار ثبات و امنیت پایدار را در این کشور داشت.